دلیل توقف برداشت نفتی ایران از دریای خزر

به تازگی دکل متعلق به کشورمان در خزر یک میدان را کشف و حتی بهره برداری از آن را نیز شروع کرد ولی نفت به دست آمده، نفت پارافینی بود که میزان پارافین در آن بالاست و بهره برداری از آن فناوری خاصی دارد که ما آن را بلد نیستیم. هنگام برداشت از مخازن نفت پارافینی، پارافین تمام لوله های مسیر را می گیرد و تولید را متوقف می کند.

در گفت و گو با سید مهدی حسینی، رئیس سابق کمیته بازنگری قراردادهای نفتی بررسی شد:

رمزگشایی از عقب ماندگی نفتی در خزر

نباید منتظر ماند، تعیین رژیم حقوقی خزر شاید ۲۰ سال دیگر طول بکشد

حسین بردبار
Economic@khorasannews.com

باوجود بهره برداری های گسترده چهار همسایه شمالی ما در دریای خزر از منابع نفت و گاز بزرگ ترین دریاچه جهان، مسئولان نفتی کشورمان با ارائه دلایلی همچون عمیق بودن بخش متعلق به ایران و سختی کار و فناوری پیچیده از بهره برداری سرباز می زنند اما دکتر سید مهدی حسینی که چهار سال مدیریت اکتشاف شرکت ملی نفت و معاونت بین الملل وزارت نفت را در کارنامه دارد و از ابتدای فعالیت دولت یازدهم، ریاست کمیته بازنگری قراردادهای نفتی و تدوین الگوی جدید موسوم به آی پی سی را بر عهده داشته، معتقد است چنین کاری شدنی است و ما هم می توانیم با مشارکت شرکت های بزرگ نفتی و پذیرش ریسک از سوی آنان چنین بهره برداری داشته باشیم. دکتر حسینی می گوید: با وجود ریسک های میدان، عدم شناختی که ما داریم و هزینه های کلان و بسیار زیادی که دارد، دانش فنی و ابزار و پولی که ما نداریم، منطق به ما حکم می کند که با گذاشتن مشوق هایی، شرکت های نفتی را تشویق کنیم تا این ریسک ها را بپذیرند و با هزینه خودشان کارهای اکتشافی را با مشارکت ما انجام دهند... مدیر اسبق اکتشاف شرکت ملی نفت، اعتقاد دارد که بهره برداری از میدان های نفتی دریای خزر به دلیل عمق این میدان ها در سمت ایران نیازمند دانش فنی و فناوری خاصی است که ما در موارد دی بلد نیستیم و باید با کنار گذاشتن هر گونه غروری به دنبال کسب این دانش یا ورود فناوری جدید به کشورمان باشیم. افزایش هزینه های ناشی از حفاری در نقاط عمیق متعلق به ایران و بالا بودن ریسک کار در انعقاد قراردادهای بهره برداری از این میدان های نفتی از دیگر عللی است که دکتر حسینی برای کم بودن کامیابی در بهره برداری از خزر بیان می کند اما همچنان اعتقاد دارد که ما می توانیم با صرفه اقتصادی از منابع نفتی خزر بهره برداری کنیم. دکتر حسینی بر این هم تاکید می کند که نباید منتظر تعیین رژیم حقوقی دریای خزر بود چرا که بیست و چند سال از فروپاشی شوروی گذشته و ما هنوز نتوانسته ایم مرزهای آبی مان را در خزر تعیین کنیم و شاید تعیین رژیم حقوقی ۲۰ سال دیگر هم طول بکشد و اضافه می کند: "ما برای خزر در مدل آی پی سی مان پیش بینی کرده بودیم که باید نوعی قرارداد ویژه باشد..." جزئیات بیشتر را در گفت و گوی تفصیلی با این استاد کهنه کار حوزه مسائل نفت و انرژی می خوانید:

به چه دلیل با وجود این که برخی از کشورهای دیگر حاشیه دریای خزر قرارداد بسته اند و دارند کار استخراج نفت را انجام می دهند، ما مدتی است که نتوانسته ایم بهره برداری داشته باشیم یا این که منابعی هم وجود دارد؟

- ما از دو منظر باید با این مسئله برخورد کنیم؛ یک بخش به موضوعات زمین شناسی و مسائل فنی خاص در حوزه خزر برمی گردد و دیگری نوع فناوری خاصی است که خزر نیاز دارد و باید ببینیم که چقدر از این فناوری ها را در اختیار داریم. بعد ببینیم چه کارهایی ما کرده ایم و چه کارهایی دیگران می کنند. به لحاظ زمین شناسی دریای خزر مثل دو کاسه است که کنار هم ایستاده اند، یک کاسه خیلی عمیق تا عمق حدود ۸۰۰ تا هزار متر که در سمت ایران است و دیگری کاسه کم عمق تر که در سمت شمال خزر قرار دارد. دیواره ای بین این دو کاسه قرار دارد که در حقیقت ادامه کوه هایی است که از مناطق غرب خزر یعنی از جمهوری آذربایجان وارد دریا می شود و زیر آب قرار دارد و از سمت ترکمنستان بیرون می آید و بیشتر مخازن نفتی شناخته شده روی این دیواره هستند که شانس پیدا کردن میدان های نفتی در این جا بیشتر از دیگر مناطق است. به همین دلیل بیشترین اکتشافات جمهوری آذربایجان در میدان هایی مثل آذری، گنشتی و... و دیگر میدان هایی که بهره برداری می کند روی این دیواره داخل خزر قرار گرفته است یعنی همان کوهی که زیر آب قرار دارد؛ در بخش کم عمق نیز روسیه در داغستان توانسته است کشفیاتی داشته باشد ولی نفت زیادی تولید نمی کند همچنین قزاقستان کشفیات بسیار خوبی در خزر داشته است و بهره برداری هم می کند و کنسرسیوم ها هم در حال کار هستند. حالا ما چه کار کرده ایم، بخش متعلق به ایران خیلی عمیق است و فناوری خاصی می طلبد که متفاوت است و ما این فناوری ها را تا همین چندوقت پیش نداشتیم؛ شما دکل حفاری نیاز دارید که بتواند در عمق آب ۸۰۰ متر و بیشتر حفاری کند. بهترین دکلی که در خزر داشته ایم جکاب بوده است که تا حداکثر عمق ۱۱۰ متر می تواند حفاری کند. این دکل نیمه شناور هم که ساخته بودیم طی سال های اخیر مقداری کار برای آن ها و خودمان انجام داده است. قبلا ما در بخش های کم عمق کارهای لرزه نگاری انجام داده ایم و حدود ۴۰ ساختمان نفتی کشف کرده ایم؛ در این ساختمان های نفتی ممکن است نفت باشد و ممکن است نباشد.

ظاهرا بیان شده که وجود نفت در این ساختمان های نفتی قطعی است؟

- نخیر، زمانی که من مدیر اکتشاف شرکت ملی نفت بودم، روی این موضوع کار کردیم و یکی دو چاه در شرق و یکی دو چاه در جنوب غربی و غرب در منطقه انزلی زدیم که متاسفانه هر دو جا خشک بود. من چهار سال مدیر اکتشاف شرکت ملی نفت بودم و آن موقعی که کار می کردیم این چاه ها جواب مناسبی به ما ندادند. مسئله زمین شناسی در خزر هم خیلی مهم است. نوع زمین شناسی خزر با مجموع زمین شناسی که ما در کشور داریم متفاوت است، به اصطلاح در منطقه خزر می گوییم زمین شناسی با لایه های چینه ای، در حالی که دیگر میدان های نفتی کشور را گنبدی می گویند.

ما کار در مخازن گنبدی را بسیار خوب بلدیم ولی به لحاظ زمین شناسی لایه های چینه ای را اصلا بلد نیستیم یعنی حتی اگر چیزی هم کشف می کردیم، دانش بهره برداری آن را نداریم. کسانی هم که می گویند ما داریم من تعجب می کنم. نکته دیگر آن است که به تازگی دکل متعلق به کشورمان در خزر یک میدان را کشف و حتی بهره برداری از آن را نیز شروع کرد ولی نفت به دست آمده، نفت پارافینی بود که میزان پارافین در آن بالاست و بهره برداری از آن فناوری خاصی دارد که ما آن را بلد نیستیم. هنگام برداشت از مخازن نفت پارافینی، پارافین تمام لوله های مسیر را می گیرد و تولید را متوقف می کند که همین اتفاق در آن میدان متعلق به ایران افتاد و تولید را متوقف کرد بنابراین ما این فناوری را نیز بلد نیستیم. این ها ابعاد فنی و زمین شناسی مسئله است که هنوز نتوانسته ایم در آب های عمیق کار کنیم و در زمینه حفاری کمتر کار کرده ایم.

همین جا بفرمایید که برای این میدان پارافینی چاره کار چیست؟

- از این میدان ها در تمام دنیا بهره برداری می شود و چاره آن است که فناوری آن را ما یاد بگیریم. اما غرور ما گاهی اجازه نمی دهد. خیلی خوب است که آدم خودش را دست کم نگیرد ولی وقتی که زیادی هم بگیرد زمین می خورد. الان ما خودمان را زیادی در حوزه نفت دانشمند می دانیم در حالی که این گونه نیست، در همه جای دنیا از نفت پارافینی بهره برداری می شود و فناوری خاص خودرا دارد که ما باید آن را بیاوریم و از آن استفاده کنیم.

در زمینه قراردادی چطور، آیا خوب عمل کرده ایم؟

- کار در دریای خزر به همین دلایلی که گفتم یعنی عمق زیاد آن دارای ریسک و هزینه هایی بسیار بالاتر از خلیج فارس یا دیگر میدان های نفتی کشور است. به عنوان مثال گران ترین حالت اجاره یک دکل حفاری برای یک روز در خلیج فارس حدود ۱۵۰ هزار دلار است در حالی که دکلی که در خزر بتواند حفاری و کار بکند، یک میلیون دلار و بیشتر هزینه یک روز اجاره آن است. یعنی فاصله آن چند برابر است و اگر یک شرکت نفتی مثل شرکت ملی نفت ایران یا یک شرکت بین المللی مانند شل، توتال و... بخواهند کار کنند، این هزینه ها را در ریسک ها و محاسباتشان در نظر می گیرند. همچنین شانس دستیابی به نفت در جاهایی که هزینه ۱۵۰ هزار دلاری دارد، بیشتر هم هست و در خزر ریسک بیشتر است. بنابراین ما برای این که بتوانیم در خزر کار کنیم، باید بپذیریم که هزینه های بیشتری بپردازیم و از دانش و فناوری دیگران که بلدند و ابزار آلاتشان استفاده کنیم تا بتوانیم موفق شویم و در خزر کار کنیم. کشورهایی که در خزر موفق هستند، یکی آذربایجان است که روی دیواره کار می کند و عمق آب کم است و دیگری قزاقستان است که عمق آب کم است اما این کشور فقط برای میدان کاشگان که یک میدان خشکی- دریایی است، حدود ۱۳۰ میلیارد دلار قرارداد با یک کنسرسیوم اروپایی- ژاپنی- آمریکایی بسته است که بتواند حدود یک میلیون و صد هزار بشکه از همین میدان با هزینه ای هنگفت تولید کند، بنابراین در خزر با یک میدان دارای عملیات سنگین مواجهیم که کار کشف آن گران و پرریسک است و فناوری خاصی دارد که بلد نیستیم و اگر کشف کنیم در میدان های پارافینی بهره برداری را بلد نیستیم. همچنین به لحاظ میزان سرمایه گذاری از طاقت مالی ما بیرون است.

با توجه به مشکلاتی که فرمودید آیا ارزشش را دارد که وارد این کار بشویم و به لحاظ اقتصادی برای کشورمان صرفه دارد؟

- بالاخره همسایه های ما در حال انجام این کار هستند، صنعت نفت ما دارای ریسک است و کسانی در این ریسک ها وارد می شوند که ریسک پذیر هستند و در ریسک پول می سازند. به همین دلیل هیچ دولت صاحب نفتی نمی رود از جیب خودش چنین میدان هایی را استخراج کند و به گردن کسانی می اندازد که از ریسک پول می سازند، دولت ها بلد نیستند از ریسک پول بسازند اما شرکت های نفتی این فناوری را بلدند و در این کار بزرگ شده اند و با قبول ریسک برای خودشان درآمد ایجاد می کنند، ما باید منافع آن ها را بپذیریم در حالی که منافع ما در تولیدی که می کنیم چند برابر آن ها خواهد بود؛ اگر این فکر را بپذیریم من معتقدم که خواهیم توانست در خزر کارهای اکتشافی مفصلی را با لرزه نگاری سه بعدی شروع کنیم. یعنی به عبارت دیگر ما ۱۰ شاهی هم خرج نمی کنیم، آن ها می آیند و ریسکش را قبول می کنند، پولش را خرج و اکتشاف می کنند و به ما می گویند، کشف کردیم یا نکردیم، اگر کشف نکردند، می روند و ما هم ۱۰ شاهی به آن ها نمی دهیم، اگر کشف کردند، پس از تولید باید منافع آن ها را نیز در نظر بگیریم و ما هم چندین برابر آن ها منتفع می شویم. عقل و منطق می گوید این کار را باید انجام داد و این روش شناخته شده بین المللی را باید اجرا کرد. ما مثل آذربایجان، روسیه، قزاقستان و ترکمنستان که دارند در خزر کار می کنند، فکر نمی کنیم، به همین دلیل عقب افتاده ایم.

آیا بحث رژیم حقوقی دریای خزر تاثیری بر مسئله دارد؟

- بعد از گذشت بیست و چند سال از فروپاشی شوروی، هنوز نتوانسته ایم رژیم حقوقی خزر را نهایی کنیم تا خط مرزی ما در دریا تعیین شود، اگر این خط های مرزی تعیین شود ممکن است در عمل معلوم شود که خیلی از میدان هایی که الان دیگر همسایگان دارند تولید می کنند، در آب های ماست کما این که یک بار قرار بود آذربایجان از یک میدان بهره برداری کند و با شرکت های شل و بی پی صحبت کرده بودند که برایشان کار کنند و ما حساب کردیم که ممکن است در آب های ما باشد و جلوی کار را گرفتیم و خوشبختانه متوقف شد.

علت توقف کار این بود که میدان مذکور در آب های ما بود؟

- باقطعیت معلوم نبود ولی چون به آب های سرزمینی ما نزدیک بود ما گفتیم نباید این کار را بکنند و آن ها هم نکردند، شرکت های نفتی هم حاضر نیستند در جاهایی که موضوع اختلاف بین کشورهاست، وارد شوند.

بنابراین باوجود ریسک های میدان و عدم شناختی که ما داریم و هزینه های کلان و بسیار زیادی که دارد، دانش فنی و ابزار و پولی که ما نداریم، منطق به ما حکم می کند که با گذاشتن مشوق هایی، شرکت های نفتی را تشویق کنیم این ریسک ها را بپذیرند و با هزینه خودشان کارهای اکتشافی را با مشارکت ما انجام بدهند. آن جا دکل حفاری تعدادش زیاد نیست که مثل آب های آزاد بخواهند کار کنند، الان ما دکل داریم و یکی دو تا هم آذربایجان و روسیه دارند. بنابراین ابزار فراهم نیست و ریسک های زیادی را باید قبول و پول بسیاری خرج کنند و ما هم بگذاریم روی مشارکت شرکت های نفتی ریسک پذیر، طبیعتا ما بردیم.

گفته می شود برخی از منابع نفتی یا بیشتر آن ها در جاهایی است که نزدیک به آب های کشورهای دیگر است و در قسمت عمیق تر که سرزمین خود ماست، منابع کمتری وجود دارد، تایید می فرمایید؟

- بله، همان طوری که گفتم بستر خزر شبیه دو کاسه است که دیواره ای بین آن ها قرار دارد و بیشتر منابع روی همین دیواره است.

پس این جا این بحث پیش می آید که شاید بهتر است اول درباره رژیم حقوقی به نتیجه برسیم و بعد قدم در این وادی بگذاریم..

- نه، موازی پیش برویم و هیچ چیزی را به نوبت انجام ندهیم چون ممکن است رژیم حقوقی ۲۰ سال دیگر هم طول بکشد. آن ها دارند میدان های نفتی شان را توسعه می دهند و ما ایستاده ایم عقب، مگر نگفتند که دریا مشاع است، خب ما هم مشاع کار می کنیم، ما حاضریم به هر کسی که دلمان بخواهد بدهیم و باید اول روی آب های کم عمق تر و بعد آب های عمیق تر متمرکز شویم اما ریسک آن ها را به دوش کسانی که حاضرند بپذیرند و پول خرج کنند، بگذاریم. از جیبمان نباید خرج کنیم. بنده توصیه ام این نیست که از جیبمان خرج کنیم کما این که نداریم تا خرج بکنیم.

این هم باید در الگوی قراردادی خاص خودش دیده شود؟

- ما برای خزر در مدل آی پی سی مان پیش بینی کرده بودیم که باید نوعی قرارداد ویژه باشد، مدل ما خیلی شناور بود، مدلی بود که به میدان های بسیار آسان و بسیار سخت می خورد، این هنری بود که ما مدعی هستیم در مدل آی پی سی به کار برده ایم که بتواند همه جا کار برد داشته باشد.

> ما برای خزر در مدل آی پی سی مان پیش بینی کرده بودیم که باید نوعی قرارداد ویژه باشد، مدل ما خیلی شناور بود، مدلی بود که به میدان های بسیار آسان و بسیار سخت می خورد، این هنری بود که ما مدعی هستیم در مدل آی پی سی به کار برده ایم که بتواند همه جا کار برد داشته باشد

نمایی از دکل امیر کبیر، تنها دکل حفاری فعال ایران در دریای خزر